

پژوهشی در کارآمدی نظام جمهوری اسلامی

تاریخ دریافت: ۹۲/۷/۶

تاریخ تأیید: ۹۲/۷/۲۲

احمد واعظی*

سیدغلامرضا موسوی**

یکی از دغدغه‌های اصلی و مورد توجه کشورهای در حال توسعه، کارآمدی نظام سیاسی است. بحث کارآمدی از چالش‌های مهم توسعه و پیشرفت نظام جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر می‌باشد. این مقاله ضمن مروری کوتاه بر مفهوم کارآمدی، به برشمردن حساسیت‌های آن بر اساس اهداف نظام جمهوری اسلامی ذکر شده در قانون اساسی می‌پردازد. این پژوهش به نگرش‌سنجی نخبگانی اقدام کرده است، تا مدیران ارشد نظام بر اساس خروجی‌های آن نسبت به مهندسی مجدد سیستم ارتقاء یا نوسازی نظام جمهوری اسلامی، از طریق تغییر یا تکمیل حلقه‌های مفقوده، اقدام لازم را انجام دهند.

جامعه آماری این پژوهش گرچه وسیع و گسترده نیست و شامل جمعی از نخبگان حوزوی و دانشگاهی است اما نتایج پژوهش نشان می‌دهد که از میان سه حوزه راهبردی فرهنگ، اقتصاد و سیاست، اولین حوزه ناکارآمدی از منظر نخبگان، حوزه اقتصادی است و کمترین اهداف تحقق یافته قانون اساسی مربوط به این حوزه می‌باشد. نتایج نظرسنجی نخبگانی حاکی از آن است که وضعیت کارآمدی در حوزه سیاست بهتر از دو حوزه فرهنگ و اقتصاد است.

واژه‌های کلیدی: کارآمدی، کارایی، اثربخشی، قانون اساسی، نظام جمهوری اسلامی.

* دانشیار دانشگاه باقرالعلوم 7.

** عضو هیأت علمی دانشگاه باقرالعلوم 7.

مقدمه

نظام مقدس جمهوری اسلامی دارای مبانی دینی و تجربی کاملاً جدیدی، از لحاظ شکل و ماهیت سیستم حکومت دینی است. نظامی که به عنوان نخستین تجربه حکومت اسلامی طی قرون اخیر و تنها نسخه نظام سیاسی مبتنی بر ولایت و رهبری فقیه، در دنیای متلاطم امروزی است. اما آنچه اینک ضرورت دارد، بررسی و ارزیابی دستاوردهای نخستین تجربه حکومت دینی (پس از قرن‌ها دوری از حاکمیت دینی) و تبیین کارآمدی یا ناکارآمدی آن است. بحث کارآمدی نظام جمهوری اسلامی یا ناکارآمدی آن، یعنی بحث از کارآمدی یا ناکارآمدی حاکمیت دینی. امروزه با گذشت سی و پنج سال از انقلاب اسلامی، کمتر کسی تردیدی در مشروعیت این نظام دارد؛ اما هر حکومتی در عرصه تحقق کارویژه‌ها، وظائف و اهداف خود با درجه‌ای از ناکارآمدی و یا دغدغه آن مواجه می‌شود. چرا که ناکارآمدی یکی از اساسی‌ترین چالش‌های توسعه و پیشرفت هر کشور است، و هرگونه طراحی توسعه می‌بایستی جایگاه ویژه‌ای برای ارتقاء کارآمدی در تمام جوانب و عرصه‌ها قائل باشد.



به عبارت دیگر هر سامانه مدیریتی و هر سازمانی و از همه مهم‌تر نهاد دولت، علاوه بر مشروعیت اولیه باید به دنبال مشروعیت ثانویه و یا همان کارآمدی باشد؛ تا بتواند دوام حکومت را تضمین نماید. مهم‌ترین ملاک داوری مردم در کارآمدی یا ناکارآمدی هر نظامی عملکرد آن نظام است، هر چند آن حکومت برخاسته از مبانی دینی و مذهبی باشد. قضاوت مردم بیش از آنکه براساس مبانی نظری باشد، بر اساس عملکرد است؛ هر نظامی عملکرد مطلوب‌تری داشته باشد، کارآمدتر به نظر می‌رسد. بنابراین دفاع از ساختار سیاسی عملکرد مطلوب‌تری داشته باشد، کارآمدتر به نظر می‌رسد. بنابراین دفاع از ساختار سیاسی (که مبتنی بر یک اندیشه نظری است) زمانی امکان‌پذیر است که آن نظام در مقام عمل کارایی و اثربخشی خود را به اثبات رسانده باشد.

ما در این مقاله کارآمدی نظام جمهوری اسلامی را در معرض قضاوت نخبگانی قرار داده‌ایم، تا از این رهگذر خروجی‌های آن مورد استفاده مدیران ارشد نظام جهت بهبود سیستم در نظام مقدس جمهوری اسلامی قرار گیرد.

مفهوم کارآمدی

در تعریف واژه «کارآمدی» ابهامات زیادی بین مؤلفین به چشم می‌خورد؛ برخی آن را با واژه کارایی مترادف گرفته‌اند و برخی با واژه اثربخشی یکسان پنداشته‌اند. برای نمونه

کارآمدی به معنای استفاده مطلوب از منابع تولید یا قابلیت توانایی رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده و مشخص تعریف شده است. (گلریز، ۱۳۸۶: ۱۷۱ و ۴۲۸) این مؤلف کارآمدی را هم به کارایی تعریف کرده و هم به اثر بخشی. در بعضی از فرهنگ‌نامه‌ها اصطلاح کارآمدی به مفهوم میزان موفقیت در تحقق هدف‌ها و یا انجام مأموریت آمده است (معینی، ۱۳۷۰: ۲۱۱) یا بعضی بر قابلیت و توانایی رسیدن به هدف‌های تعیین شده و مشخص تعریف کرده‌اند. (آقابخشی، ۱۳۷۹: ۴۴۶)

ولی آنچه بنابر نظر مشهور دانشمندان رشته‌های مرتبط با دانش مدیریت مورد پذیرش قرار گرفته است، تعریف واژه کارآمدی به اثربخشی است؛ و در این مقاله مراد از مفهوم کارآمدی همین معنای مشهور خواهد بود. در ادامه به تعریف مفاهیم کارایی و اثربخشی می‌پردازیم:

مفهوم کارایی^۱

کارایی به معنای درست انجام دادن وظیفه است و به رابطه صحیح بین ورودی و خروجی اشاره دارد. برای مثال اگر از نهاده معین بازده بیشتری به دست آید، کارایی افزایش پیدا کرده است. کارایی با چگونگی استفاده از منابع ورودی مانند پول، افراد و تجهیزات که کمیاب هستند ارتباط دارد. (رابینز، ۱۳۸۶: ۵۱) برای سنجش کارایی هزینه تأمین منابع، تجهیزات و نرخ بازگشت سرمایه و نظایر آن مورد ملاحظه است. بر همین اساس کارایی حکومت عبارت است از: مقدار منابعی که برای تحقق یک هدف یا ارائه یک خدمت، و یا انجام وظیفه حکومت به مصرف رسیده است؛ و می‌توان آن را بر حسب نسبت مصرف به نتیجه، محاسبه و تفسیر کرد. اگر حکومتی بتواند در مقایسه با دیگر حکومت‌ها، با صرف مقدار کمتری از منابع به هدف مشخص برسد، کارایی بیشتری دارد.

البته کارایی نظام سیاسی را می‌توان در چهار بُعد اداری، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی - اجتماعی طبقه بندی کرد. کارایی اداری یک ویژگی ضروری در کارآمدی نظام خواهد بود و مدیریت بر مبنای چهار منبع اصلی (نیروی انسانی، منابع مالی، منابع مادی و تکنولوژی)

که در کلیه سازمان‌ها به عنوان داده وارد می‌شود؛ و به همراه تصمیمات شایسته، تحت عنوان کارایی اداری در کارآمدی نظام مد نظر قرار می‌گیرد. دو قسم کارایی سیاسی، فرهنگی - اجتماعی و کارایی اقتصادی نمایانگر قابلیت سیستم در مقابله با مسائل و چالش‌های اساسی جامعه مانند رفاه، عدالت، امنیت و آزادی است. منظور از «قابلیت» تمهیدات، فرایندها، ساختارها و قوانینی است که دولت برای دستیابی به توسعه به آن‌ها می‌اندیشد. در واقع نظام سیاسی و حکومت در بعد کارایی اداری توانمندی‌ها و ظرفیت‌های درونی خود را ارتقا می‌دهد، و در بعد کارایی اقتصادی و سیاسی - اجتماعی از ظرفیت به دست آمده در جهت ایجاد، ترویج، افزایش و توسعه این ابعاد می‌کوشد. (هدی، ۱۳۸۱)

مفهوم اثر بخشی^۱

میزان دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده را اثر بخشی گویند. در واقع اثربخشی دربرگیرنده نتایج حاصله از عملکرد سیستم است. در پارادایم مدیریت دولتی نوین نیز، کارایی و اثربخشی ویژگی‌های اصلی نظام اداری و سیاسی محسوب می‌شوند. (هیوز، ۱۳۸۰: ۷۵)

در ادبیات علم مدیریت اثربخشی یعنی انجام دادن کارهای درست، در حالی که کارایی یعنی درست انجام دادن کار، که هر دوی این‌ها کلید موفقیت سازمان و نظام سیاسی هستند.

اثر بخشی حکومت و یک سیستم سیاسی هنگامی حاصل می‌شود که:

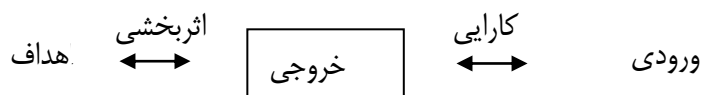
۱. نیازهای جامعه به درستی تبیین شود.
۲. برنامه مناسبی برای رفع نیازها طراحی گردد.
۳. برنامه طراحی شده به درستی اجرا گردد.
۴. ارزیابی مناسبی از فرایندها و سیاست‌های اجرایی انجام بگیرد تا در نهایت منجر به دستیابی اهداف شود.

البته اثربخشی نظام سیاسی را نیز می‌توان در چهار بعد اداری، فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی و سیاسی طبقه بندی کرد. می‌توان مقایسه کارایی و اثربخشی را براساس نمودار ذیل نشان داد:

□. Effectiveness.



نمودار مقایسه کارایی و اثربخشی



چند نکته مهم در خصوص کارآمدی

۱. هر سامانه مدیریتی و از جمله نهاد دولت (که گسترده‌ترین سازمان هر کشوری است) به دنبال افزایش کارآمدی خویش است؛ به‌ویژه نظام مقدس جمهوری اسلامی که با تحصیل کارآمدی به دنبال دوام نظام اسلامی است.

۲. در مقام ارزیابی کارآمدی یک پدیده مرکب (مانند هر سیستم یا نظام سیاسی) به هیچ وجه نمی‌توان بر اساس کارآمدی یا ناکارآمدی یک جزء، آن پدیده را کارآمد یا ناکارآمد دانست. برای مثال نمی‌توان از کارآمدی یکی از اجزاء نظام سیاسی لیبرال، کارآمدی کل این نظام را نتیجه گرفت و یا از ناکارآمدی یکی از اجزای نظام جمهوری اسلامی، ناکارآمدی کل این نظام را استنتاج کرد. زیرا کارآمدی یک پدیده مرکب، امری است جامع که از حاصل جمع جبری کارآمدی اجزاء به دست می‌آید.

۳. در تعیین کارآمدی یا ناکارآمدی هر نظام سیاسی می‌بایست براساس موقعیت خاص هر کشور، شاخص‌ها و مصداق‌هایش را تعریف و ارزیابی کرد. اساساً شاخص‌سازی برای مفهوم کارآمدی دارای یک فرمول قطعی و صددرصد نیست؛ و بر حسب مقتضیات زمانی و مکانی و تحولات عرصه‌های مختلف، این شاخص‌ها تغییر پذیر هستند. این رهیافت دو مزیت دارد: ضمن رعایت و حفظ نگاه کلی و سیستماتیک بر کارآمدی و پرهیز از مطلق‌گرایی، دست پژوهشگران و دولتمردان برای یافتن شاخص‌های متناسب با اوضاع و احوال کشورها باز می‌گذارد.

۴. ناکارآمدی احتمالی حکومت دینی را نمی‌توان به دین اسلام منتسب کرد زیرا در ارزیابی ناکارآمدی احتمالی هر نظامی به مؤلفه‌هایی چون کارگزاران، ساختار نظام سیاسی، موانع داخلی و خارجی، و امکانات و منابع باید توجه داشت.

۵. مهم‌ترین ملاک داوری مردم در کارآمدی و یا ناکارآمدی نظام سیاسی «اندیشه سیاسی» آن نظام نیست، بلکه «عملکرد» آن نظام است، هر چند خاستگاه آن حکومت دین و مذهب باشد.

۱۱ ضمن آنکه عقب ماندگی و ناکارآمدی، حقانیت و صحت فکر و نظرات دینی و علمی



ما را هم زیر سؤال خواهد برد. (روحانی، ۱۳۷۹: ۱۹۰) دفاع از ساختار سیاسی، زمانی امکان پذیر است که آن نظام در مقام عمل، کارآمدی خود را به اثبات رسانده باشد. و به عبارت دقیق‌تر، زیر سؤال رفتن مشروعیت ثانویه، موجب زیرسؤال رفتن مشروعیت اولیه سیستم به لحاظ احساسی و روانی خواهد شد. آنچه بیش از همه مردم را در پذیرش کارآمدی حکومت دینی قانع می‌کند، تجربه عملی آن است و نه مباحث نظری. آنچه بیش از همه در رشد سکولاریزم در جامعه دارای حکومت دینی تأثیرگذار است، ناکارآمدی آن در ایفای نقش و مسئولیت اصلی خود می‌باشد، و نه ترویج گفتاری و نوشتاری سکولاریزم. ذکر این نکته لازم است که برخی از کارآمدی حکومت به عنوان فرایندی که خود می‌تواند مشروعیت آفرین باشد، یاد کرده‌اند. حکومت‌ها پس از مرحله تأسیس که بر پایه کسب نوعی مشروعیت در مقام حدوث (Legitimacy) شکل می‌گیرند، در مرحله استقرار به فرایندی از مشروعیت زایی و مشروعیت یابی (Legitimation) یا همان مشروعیت ثانویه تکیه می‌کنند. بر این اساس کارکرد مطلوب حکومت و توفیق در کارآمدی، ممکن است به جلب رضایت شهروندان و باز تولید هنجارهای تازه مشروعیت آفرین و در نتیجه باز یابی مشروعیت حکومت منتهی گردد. هم‌چنان که ضعف کارآمدی یک حکومت مشروع، ممکن است ظهور بحران‌ها و در نهایت زوال مشروعیت ریشه‌دار و پیشین حکومت را سبب شود؛ و پیروی شهروندان نسبت به چنین حکومتی را از اساس مورد تردید قرار دهد. شاید به همین دلیل است که در دوران جدید، برخی از حکومت‌ها در کشورهای جهان سوم با عنوان «دیکتاتورهای مصلح» (مانند جمال عبد الناصر) به روی کار آمدند. این حکومت‌ها اساساً بدون توجه به مبادی و مبانی مشروعیت اولیه خود در آغاز شکل‌گیری، توجه به ارتقای ظرفیت حکومت در عبور از بحران‌ها و حل مسائل پیش روی حکومت را مد نظر قرار دادند؛ و بیش از توجه به بنیان مشروعیت، به روند مشروعیت‌یابی عطف نظر نمودند. (حجاریان، ۱۳۷۳: ۸۱)

بی‌تردید کارآمدی حکومت و قرین شدن آن با کامیابی‌های پی در پی در فرایند توسعه، در کنار دیگر عوامل، می‌تواند عامل مهمی در نفوذ و اقبال مردم به حاکمیت مشروع باشد و در یک روند معکوس، ظرفیت‌های تولید رضایت و اعتماد به حاکمیت و کارکردهای آن را ارتقاء بخشد.

۶. کارآمدی نظام سیاسی را باید در شرایط و مراحل گوناگون، جایگزینی، تأسیس و استقرار، تثبیت و تداوم نظام سیاسی به صورت جداگانه بررسی و ارزیابی کرد؛ چرا که

اهداف، امکانات و موانع یک پدیده خاص در شرایط و حالات مختلف متفاوت است. ۷. از آنجا که اهداف هر نظام سیاسی با نظام‌های دیگر متفاوت است، آن اهداف به طور مستقیم و غیرمستقیم بر برخی امکانات و موانع نیز تأثیرگذار است. برای مثال اگر اهداف نظام سیاسی اسلام بر اساس نظام ارزشی دینی تعیین شده است، نمی‌تواند در نیل به اهداف خود از هر ابزاری استفاده کند و ناچار است در رسیدن به اهداف خود از شیوه‌های مشروع استفاده کند. حکومت دینی به همان میزانی که به اهداف و دستاوردهای خود اهتمام می‌ورزد و آن را بر وفق موازین دینی و ارزش‌های اسلامی در نظر می‌گیرد، در شیوه‌ها و راه‌های وصول به اهداف نیز خود را محدود و به شرع و مقید به موازین دینی می‌داند. این حکومت سامان دهی در حکومت و هموار ساختن سیر حرکت خود را به بهای نادیده گرفتن ارزش‌های دینی و پایمال کردن حدود و شریعت نمی‌جوید؛ که البته این خود محدودیت‌های فراوانی را پیش روی چنین حکومتی می‌نهد. بنابراین در ارزیابی کارآمدی و ناکارآمدی هر نظام سیاسی باید به نظام ارزشی آن که هدف ساز نیز می‌باشد، توجه کامل صورت گیرد.

به همین علت است که حضرت علی 7 پیروزی از طریق معصیت را شرط پیروزی نمی‌داند و هر کس را که در این مسیر غلبه یابد مغلوب می‌داند:

ما ظفر من ظفر الاثم به والغالب بالشر المغلوب. (نهج البلاغه حکمت ۳۲۷)

نگرش سنجی

از آنجا که برای قضاوت در خصوص کارآمدی یا ناکارآمدی هر نظام و سیستمی، بهترین راه تکیه بر آمار و اطلاعات است؛ باید در ابتدا به سراغ آن‌ها رفت، ولی نباید بنابر ملاحظاتی (مانند عدم امکان دسترسی به آمار دقیق در حوزه‌های مختلف یا تعارض آمارها و طبیعتاً زیر سوال رفتن وثاقت آن‌ها) ناکام ماند. لذا برای قضاوت در این خصوص به دیدگاه‌های نخبگانی روی آورد؛ و با طراحی پرسشنامه و جمع‌آوری نظرات ایشان، به قضاوت در خصوص کارآمدی نظام جمهوری اسلامی نشست.

مکانیزم طراحی پرسشنامه

بنا بر آنچه از آیات و روایات استفاده می‌شود، اهداف غائی حکومت دینی: اول راهنمایی انسان‌ها به مقام خلیفه الهی و انسان کامل شدن و فراهم نمودن مقدمات سیر و



سلوک برای آن است؛ و دوم ایجاد مدینه فاضله و تمدن اسلامی به عنوان بستری برای
صیوروت انسان‌ها و خداگونه شدن ایشان. (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۹۹ به بعد)
اهداف میانی که به عنوان ابزار و پیش زمینه‌های نیل به اهداف عالی و غائی حکومت
دینی مطرح است؛ علاوه بر اینکه می‌تواند متخذ از آیات و روایات باشد، می‌تواند برگرفته
از سخنان امام خمینی؛ به عنوان مؤسس نظام جمهوری اسلامی و نیز رهنمودهای مقام
معظم رهبری باشد. اما از آنجا که آیات و روایات قابل تفسیر و برداشت‌های گوناگون می-
باشند، و همچنین کلمات حضرت امام؛ و مقام معظم رهبری به صورت قانون در نیامده
است، به عنوان اهداف نظام جمهوری اسلامی قرار نمی‌گیرد. بهترین راه از نظر این
محقق، استخراج اهداف نظام جمهوری اسلامی از قانون اساسی می‌باشد.
معمولاً نظام هر کشوری را، به چهار خرده سیستم و نظام، (هدی، ۱۳۸۱) تقسیم می-
کنند:

- ۱- نظام اقتصادی
- ۲- نظام سیاسی
- ۳- نظام فرهنگی
- ۴- نظام اجتماعی

در این تحقیق با توجه به قرابت دو حوزه فرهنگی و اجتماعی، اهداف در سه حوزه
اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و اجتماعی به شرح ذیل از قانون اساسی استخراج شده است:

ردیف	اهداف فرهنگی و اجتماعی ذکر شده در قانون اساسی	شماره اصل
۱	ایجاد محیط برای رشد فضائل اخلاقی براساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی	سوم
۲	بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر.	سوم
۳	آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی	سوم
۴	تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان.	سوم
۵	رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی	سوم
۶	ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور	سوم
۷	توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون بین همه مردم	سوم

چهارم	۸	کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. (لزوم انطباق قوانین با اسلام)
هشتم	۹	در جمهوری اسلامی، دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه-ای همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت است.
دهم	۱۰	همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌ها، باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن، و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.
چهاردهم	۱۱	دولت جمهوری اسلامی موظف است نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نماید و حقوق انسانی آنان را رعایت کند.
نوزدهم	۱۲	مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند.
بیست و یکم	۱۳	دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:
	۱۳-۱	ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت‌زن و احیاء حقوق-مادی و معنوی او
	۱۳-۲	حمایت مادران، به‌ویژه در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی‌سرپرست
	۱۳-۳	ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست
	۱۳-۴	ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کيان و بقای خانواده
	۱۳-۵	اعطای قیمومیت فرزندان به مادران شایسته، در جهت غبطه آن‌ها در صورت نبودن ولی شرعی
سی‌ام	۱۴	دولت موظف است وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم کند، و وسائل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

شماره اصل	اهداف اقتصادی ذکر شده در قانون اساسی	دیف
سوم	ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور	۱
سوم	پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی، جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه	۲
سوم	تأمین خودکفایی در علوم و فنون صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند آن	۳



۴	مشارکت عامه مردم در تضمین سرنوشت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خویش	سوم
۵	هرکس حق دارد شغلی را که به آن مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.	
۶	کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. (لزوم انطباق قوانین با اسلام)	چهارم
۷	دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را (برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره) برای یک فرد کشور تأمین کند.	بیست و نهم
۸	داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آن‌ها که نیازمندترند (به خصوص روستائینان و کارگران) زمینه اجرایی این اصل را فراهم کند.	سی و یکم
۹	برای تأمین استقلال جامعه، ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت، برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد و حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود.	چهل و سوم
۹-۱	تأمین نیازهای اساسی، مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش، و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه	
۹-۲	تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند؛ در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود، و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد.	
۹-۳	تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعت کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.	
۹-۴	رعایت آزادی انتخاب شغل، عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگران	
۹-۵	منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام	

۹-۶	منع اسراف و تبذیر در همه شؤون مربوط به اقتصاد اعم از سرمایه گذاری، تولید، توزیع و خدمات
۹-۷	استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور
۹-۸	جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور
۹-۹	تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی، صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.
چهل و هشتم	در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد؛ به طوری که هر منطقه فراخور نیاز و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم را در دسترس داشته باشد.

ردیف	اهداف سیاسی ذکر شده در قانون اساسی	شماره اصل
۱	طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب	سوم
۲	محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصار طلبی	سوم
۳	تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون	سوم
۴	مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش	سوم
۵	ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور	سوم
۶	تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی	سوم
۷	تأمین خودکفایی در علوم و فنون صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند آن	سوم
۸	تأمین حقوق همه جانبه افراد (زن و مرد) و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون	سوم
۹	تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان	سوم
۱۰	کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. (لزوم انطباق قوانین با اسلام)	چهارم
۱۱	در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود.	ششم
۱۲	دولت جمهوری اسلامی موظف است سیاست‌های کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد؛ و کوشش به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.	یازدهم



چهاردهم	دولت جمهوری اسلامی موظف است نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نماید و حقوق انسانی آنان را رعایت کند.	۱۳
بیستم	همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردار هستند.	۱۴
بیست و دوم	حیثیت جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر مواردی که قانون تجویز کند.	۱۵
بیست و سوم	تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مؤاخذة قرار داد.	۱۶
بیست و چهارم	نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزاد هستند، مگر مخل مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند.	۱۷
بیست و ششم	احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده آزاد هستند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساسی جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.	۱۸
بیست و هفتم	تشکیل اجتماعات و راه پیمایی، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل مبانی اسلامی نباشد، آزاد است.	۱۹
سی و سوم	هیچکس را نمی توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند.	۲۰
سی و سوم	هیچکس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد.	۲۱

طریقه انتخاب اهداف مندرج در قانون اساسی

از آنجا که حجم اهداف، و به تبع آن سؤالات، نباید به تعدادی باشد که از حوصله افرادی که به پرسشنامه پاسخ می دهند، زیادتر باشد؛ محقق بر اساس روش «دلفی» نسبت به جمع بندی اهداف و انتخاب جامع و همچنین کامل ترین آنها بر اساس منطق ذیل اقدام نمود:

الف) حوزه فرهنگی - اجتماعی

۱. اهداف اول و دوم به جهت اهمیت بیش از حد باقی ماند.
۲. هدف سوم در واقع یکی از راهکارهای رسیدن به هدف دوم است. یعنی یکی از لوازم بالا بردن سطح آگاهی های عمومی، آموزش و پرورش رایگان می باشد. بنابراین هدف مستقل به شمار نمی رود و می توان آن را به عنوان یک شاخص، جزء سؤالات قرار

- داد. لذا هدف چهاردهم نیز بر همین اساس از اهداف میانی حذف می‌شود.
۳. هدف چهارم به عنوان شاخص در سوالات ذکر خواهد شد.
۴. هدف پنجم، یازدهم و دوازدهم به لحاظ اشتراک ماهوی خود، با یکدیگر ادغام و به عنوان یک هدف میانی در پرسشنامه ذکر می‌شوند.
۵. هدف ششم به عنوان یک شاخص در سوالات ذکر خواهد شد.
۶. هدف هفتم به عنوان یک هدف باقی خواهد ماند.
۷. هدف هشتم به عنوان یک شاخص در سوالات خواهد آمد.
۸. هدف نهم به عنوان یک شاخص در سوالات خواهد آمد.
۹. هدف سیزدهم به عنوان شاخص در سوالات خواهد آمد.
- همان‌طور که مشاهده می‌شود تمام اهداف یا در قالب اهداف میانی و یا در قالب سوال در پرسشنامه، درج خواهد شد.
- جمع‌بندی اهدافی که در حوزه فرهنگی - اجتماعی به قضاوت گذاشته می‌شود به شرح ذیل است:
۱. ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان، تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.
 ۲. بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها.
 ۳. رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه (مسلمان و غیرمسلمان با هر قوم و قبیله‌ای) در تمام زمینه‌های مادی و معنوی.
 ۴. توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون بین همه مردم.
 ۵. آسان کردن تشکیل خانواده و حفظ قداست و استواری روابط خانوادگی.

(ب) حوزه اقتصادی

۱. هدف اول به عنوان شاخص در سوالات خواهد آمد.
۲. هدف دوم به جهت اهمیت موضوع در اهداف میانه خواهد ماند، و لذا اهداف هفتم و ۸-۱ نیز به جهت مشابهت با این هدف ادغام می‌گردد.
۳. هدف سوم به جهت اهمیت موضوع به عنوان اهداف میانی ذکر خواهد شد. ضمناً بند ۷-۸ و ۹-۸ به جهت مشابهت و اینکه از لوازم هدف سوم است، در این بند ادغام می‌شود.



۴. هدف چهارم به عنوان یک هدف میانی ذکر خواهد شد.
۵. هدف پنجم به عنوان شاخص در سوالات خواهد آمد.
۶. هدف ششم به جهت هم‌پوشانی با بندهای ۲-۹ و ۴-۹ و بند دهم در یکدیگر ادغام شدند و به عنوان یک هدف میانی تحت عنوان (رشد و توسعه اقتصادی بر پایه عدالت اجتماعی) ذکر خواهد شد.
۷. هدف هفتم به عنوان یک هدف میانی ذکر خواهد شد.
۸. هدف هشتم نیز با هدف اول ادغام شد.
۹. هدف ۱-۹ و ۲-۹ و ۴-۹ در اهداف قبلی ادغام شد، بند ۳-۹ به عنوان یک شاخص در سوالات خواهد آمد. بند ۵-۹ و ۶-۹ با ادغام به عنوان یک هدف میانی ذکر خواهد شد. بند ۸-۹ به عنوان یک شاخص ذیل هدف اول، سوال خواهد شد.
۱۰. بند دهم به عنوان یک هدف با بندهای پنجم و ۲-۹ و ۴-۹ ادغام شد. با توجه به تمام نکات فوق اهداف میانی در حوزه اقتصادی به شرح ذیل جمع‌بندی خواهد شد:
۱. رشد و توسعه اقتصادی بر پایه عدالت اجتماعی، جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت.
۲. تامین خودکفایی در علوم و فنون، صنعت، کشاورزی و امور نظامی.
۳. مشارکت عامه مردم در سرنوشت اقتصادی.
۴. ممنوعیت اسراف و تبذیر، اضرار به غیر، انحصار، احتکار و ربا، و دیگر معاملات باطل و حرام در اقتصاد اسلامی.

ج) حوزه سیاسی

۱. هدف اول به عنوان یکی از شاخص‌های ذیل هدف (وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام) خواهد آمد.
۲. هدف دوم، سوم و سیزدهم تا بیست و یکم به جهت مشابهت در مضامین در یکدیگر ادغام شدند و تحت عنوان (تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون) خواهد آمد.
۳. هدف چهارم به عنوان هدف میانی ذکر خواهد شد و هدف یازدهم نیز با آن ادغام خواهد شد.

۴. هدف پنجم، ششم و هفتم به عنوان شاخص و سوال ذیل هدف (تامین امنیت) خواهد آمد.
۵. هدف هشتم با سیزدهم و پانزدهم و شانزدهم در هم ادغام شدند و تحت عنوان (تامین امنیت و حقوق انسانی و سیاسی مردم) ذکر خواهد شد.
۶. هدف نهم و دوازدهم در یکدیگر ادغام شدند و تحت عنوان (ایجاد وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام) خواهد آمد.
۷. هدف دهم به عنوان شاخص در سوالات خواهد آمد.
- بنابراین اهداف میانی در حوزه سیاسی به شرح ذیل جمع‌بندی می‌شود:
۱. تامین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون
 ۲. مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی
 ۳. تامین امنیت و حقوق انسانی و سیاسی مردم
 ۴. ایجاد وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام
- نکته بسیار مهم، آن که سؤالاتی که روبروی اهداف و به عنوان شاخص در پرسشنامه ذکر شد، مستخرج از سیاست‌های کلی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری و برنامه‌های توسعه سوم، چهارم و پنجم توسعه است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی از نوع آزمون میانگین می باشد. از آن جا که هدف آن بررسی نظرات جهت ایجاد یک فهم مشترک و نگرش سنجی در بین نخبگان در خصوص کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران است، لذا پژوهشی کاربردی از نوع توصیفی پیمایشی در شاخه علی-مقایسه‌ای می باشد.

جامعه آماری این پژوهش شامل جمعی از نخبگان حوزوی و دانشگاهی می باشد که از بین آن‌ها تعداد ۹۶ نفر نمونه به صورت تصادفی انتخاب شده است. برای تعیین حجم نمونه از نمونه گیری تصادفی خوشه ای و فرمول «ککران» در حالت عدم اطلاع از حجم جامعه یا نامتناهی بودن حجم جامعه استفاده شده است. در این فرمول مقدار $P=0/5$ ، سطح اطمینان ۹۵ درصد، خطای معیار برآورد $d=0/1$ و اندازه نمونه برابر ۹۶ نفر برآورد گردید. بنابراین تعداد ۹۶ پرسشنامه توزیع شد که در نهایت ۷۸ پرسشنامه بازگشتی قابل

تحلیل بود. ^۱ نرخ بازگشت پرسشنامه ها ۸۱٪ می باشد.

پایایی

جهت سنجش پایایی ابزار اندازه گیری از «آلفای کرونباخ» و بر اساس مطالعه مقدماتی برآورد گردید؛ که نتایج در جدول های زیر مندرج می باشد. چون مقادیر آلفای به دست آمده برای کل حوزه ها و اهداف میانی پژوهش از مقدار ۰/۷۵ بیشتر است، لذا پایایی ابزار اندازه گیری شده به میزان بالایی تأیید می گردد.

جدول ضریب آلفای کرونباخ برای محاسبه پایایی پرسشنامه در حوزه فرهنگی -

اجتماعی

آلفای کرونباخ	اهداف اصلی و میانی	
۰/۹۴۴	حوزه فرهنگی - اجتماعی	
۰/۸۵۸	ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان، تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی	اهداف میانی
۰/۸۰۶	توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون بین همه مردم	
۰/۷۸۹	بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها	
۰/۷۷۰	رفع تبعیض ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه (مسلمان و غیرمسلمان، با هر قوم و قبیله) در تمام زمینه های مادی و معنوی	
۰/۸۷۷	آسان کردن تشکیل خانواده، حفظ قدرت و استواری روابط خانواده	

جدول ضریب آلفای کرونباخ برای محاسبه پایایی پرسشنامه در حوزه اقتصادی

آلفای کرونباخ	اهداف اصلی و میانی	
۰/۹۵۸	حوزه اقتصادی	
۰/۸۵۵	مشارکت فعال مردم در سرنوشت اقتصادی	اهداف میانی
۰/۸۹۶	رشد و توسعه اقتصادی بر پایه عدالت اجتماعی جهت ایجاد رفاه، رفع فقر و برطرف کردن هر نوع محرومیت	

□ در نمونه آماری ۷۸ نفره، تعداد ۱۴ نفر از دانشگاه اصفهان، ۱۰ نفر از پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۰ نفر از دانشگاه باقرالعلوم، ۷، ۱۳ نفر از حوزه علمیه اصفهان، ۸ نفر از حوزه علمیه خواران، ۴ نفر از دانشگاه معارف اسلامی، ۵ نفر از دانشگاه تهران - پردیس قم، ۹ نفر از دانشگاه آزاد اسلامی و ۵ نفر از دارالحدیث انتخاب شده و به سئوالات پاسخ داده اند.



۰/۸۷۲	ممنوعیت اسراف، تبذیر در تولید و توزیع، اضرار به غیر، انحصار، احتکار و ربا و دیگر معاملات حرام	
۰/۸۹۰	تامین خودکفایی در علوم و فنون، صنعت، کشاورزی و امور نظامی	

جدول ضریب آلفای کرونباخ برای محاسبه پایایی پرسشنامه در حوزه سیاسی

آلفای کرونباخ	اهداف اصلی و میانی	
۰/۹۴۲	حوزه سیاسی	
۰/۸۷۸	مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی	توزیع
۰/۹۲۱	تامین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون	
۰/۸۳۸	تامین امنیت و حقوق انسانی و سیاسی مردم	
۰/۷۷۷	ایجاد وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام	

تجزیه و تحلیل آماری

برای آزمون فرضیه‌ها، با توجه به فرضیه مورد بررسی، سؤال‌ها ترکیب شدند و شاخص‌های پژوهش به همراه اهداف میانی تشکیل دهنده آن‌ها بر حسب میانگین معرفی گردید. آزمون t یک نمونه، برای آزمون فرضیه‌های اصلی و میانی به همراه سطح معنی داری به منظور بررسی حوزه‌های اصلی و اهداف میانی پژوهش استفاده شده است. با توجه به اینکه از «طیف لیکرت» برای پاسخ‌ها استفاده شده و برای اجزای طیف کد گذاری از ۱ تا ۵ صورت گرفته است، بنابراین میانگین پاسخ‌ها برابر با ۳ است. به منظور آزمون فرضیه‌ها متوسط ۳ را در نظر می‌گیریم.

با انجام آزمون آماری t -test و مقایسه میانگین پاسخ هر سؤال با عدد ۳ (گزینه متوسط) می‌توانیم به پاسخ این پرسش مهم دست یابیم که: آیا نگرش نخبگان در خصوص کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران، در هر کدام از اهداف میانی ذکر شده، بالاتر از متوسط بوده یا خیر؟

در صورت تایید فرض صفر (H_0) کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران در تحقق اهداف میانی خود متوسط ارزیابی می‌شود، و در صورت رد فرض صفر (H_0) کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران در تحقق اهداف میانی خود متوسط نبوده است و تحقق اهداف میانی کارآمدی یا ناکارآمدی خواهد بود. در این صورت اگر حد پایین و حد بالا هر دو با علامت مثبت باشند، گفته می‌شود نگرش نخبگان در خصوص کارآمدی نظام جمهوری



اسلامی ایران بالاتر از حد متوسط است (یعنی نگرش نخبگان کارآمدی نظام جمهوری اسلامی را در تحقق اهداف میانی خود، تایید کرده است). و در صورتی که حد پایین و حد بالا هر دو با علامت منفی باشند، گفته می‌شود نگرش نخبگان در خصوص کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران پایین‌تر از حد متوسط است (یعنی نگرش نخبگان کارآمدی نظام جمهوری اسلامی را در تحقق اهداف میانی خود، تایید نکرده است).

نتایج آزمون آماری t-test برای اهداف میانی

نتیجه	p-value	آماره t	اهداف میانی	
رد Ho و پایین‌تر از متوسط	۰/۰۱۳	-۲/۵۵۷	ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان، تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی	گروه فرهنگی - اجتماعی
پذیرش Ho و برابر متوسط	۰/۱۵۳	-۱/۴۴۲	توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون بین همه مردم	
رد Ho و بالاتر از متوسط	۰/۰۱۱	۲/۶۰۳	بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها	
رد Ho و پایین‌تر از متوسط	۰/۰۰۲	-۳/۲۲۶	رفع تبعیض ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه (مسلمان و غیرمسلمان، با هر قوم و قبیله) در تمام زمینه‌های مادی و معنوی	
رد Ho و پایین‌تر از متوسط	۰/۰۰۰	-۴/۰۴۸	آسان کردن تشکیل خانواده، حفظ قدرت و استواری روابط خانواده	
رد Ho و پایین‌تر از متوسط	۰/۰۰۰	-۵/۶۷۱	مشارکت فعال مردم در سرنوشت اقتصادی	
رد Ho و پایین‌تر از متوسط	۰/۰۰۰	-۵/۷۲۲	رشد و توسعه اقتصادی بر پایه عدالت اجتماعی جهت ایجاد رفاه، رفع فقر و برطرف کردن هر نوع محرومیت	گروه اقتصادی
رد Ho و پایین‌تر از متوسط	۰/۰۰۰	-۴/۲۹۹	ممنوعیت اسراف، تبذیر در تولید و توزیع، اضرار به غیر، انحصار، احتکار و ربا و دیگر معاملات حرام	

پذیرش H_0 و برابر متوسط	۰/۴۳۶	-۰/۷۸۳	تامین خودکفایی در علوم و فنون، صنعت، کشاورزی و امور نظامی	رتبه بندی
رد H_0 و بالاتر از متوسط	۰/۰۲۲	۲/۳۳۵	مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی	
پذیرش H_0 و برابر متوسط	۰/۱۴۵	۱/۴۷۳	تامین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون	
رد H_0 و بالاتر از متوسط	۰/۰۰۱	۳/۳۹۲	تامین امنیت و حقوق انسانی و سیاسی مردم	
رد H_0 و پایین‌تر از متوسط	۰/۰۴۰	-۲/۰۸۶	ایجاد وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام	

رتبه بندی حوزه ها و اهداف میانی در تحقق کارآمدی نظام جمهوری اسلامی

۱. مهم‌ترین حوزه‌ها در نظام جمهوری اسلامی

به منظور پاسخ به سؤال فوق از «آزمون فریدمن» و «رتبه بندی حوزه های تحقیق» استفاده می‌کنیم. در این آزمون ابتدا تفاوت در شاخص‌ها به طور هم‌زمان بررسی و در صورت وجود تفاوت، شاخص‌ها رتبه بندی شده و به ترتیب اهمیت معرفی می‌شوند.

نتایج آزمون فریدمن (تعداد = ۷۸)

P	آماره فریدمن	میانگین رتبه فریدمن	حوزه های نظام جمهوری اسلامی ایران
۰/۰۰۰	۴۸/۲۰۲	۲/۵۴	حوزه سیاسی
		۲/۰۱	حوزه فرهنگی ° اجتماعی
		۱/۴۴	حوزه اقتصادی

نتایج جدول فوق، بیان می‌دارد که سطح معنی‌داری آزمون فریدمن از خطای ۵٪ کمتر است و در نتیجه تفاوت معنی‌داری بین اثر حوزه‌ها وجود دارد. میانگین رتبه‌ها برای حوزه‌های پژوهش نشان می‌دهد که حوزه سیاسی، بیشترین میانگین رتبه را داشته است، و بنابراین بیشترین اهمیت را در کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران دارا است. به ترتیب، حوزه فرهنگی - اجتماعی در رتبه دوم و حوزه اقتصادی در رتبه سوم اهمیت قرار دارند.



۲. مهم‌ترین اهداف میانی حوزه فرهنگی - اجتماعی در نظام جمهوری اسلامی برای پاسخ به سؤال فوق، از آزمون فریدمن و رتبه بندی اهداف میانی حوزه فرهنگی - اجتماعی تحقیق استفاده می‌کنیم. در این آزمون ابتدا تفاوت در شاخص‌ها به طور هم‌زمان بررسی می‌گردد؛ و در صورت وجود تفاوت، شاخص‌ها رتبه‌بندی شده و به ترتیب اهمیت معرفی می‌شوند.

نتایج آزمون فریدمن (تعداد = ۷۸)

P	آماره فریدمن	میانگین رتبه فریدمن	اهداف میانی حوزه فرهنگی - اجتماعی
۰/۰۰۰	۵۳/۱۷۵	۴/۱۰	بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها
		۳/۰۱	توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون بین همه مردم
		۲/۷۴	ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان، تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی
		۲/۵۹	آسان کردن تشکیل خانواده، حفظ قدرت و استواری روابط خانواده
		۲/۵۶	رفع تبعیض ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه (مسلمان و غیرمسلمان، با هر قوم و قبیله) در تمام زمینه‌های مادی و معنوی

نتایج جدول فوق، بیان می‌دارد که سطح معنی داری آزمون فریدمن از خطای ۵٪ کمتر است، پس تفاوت معنی داری بین اثر اهداف میانی در حوزه فرهنگی - اجتماعی وجود دارد. میانگین رتبه‌ها برای حوزه‌های پژوهش گویای این است که هدف میانی (بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها)، بیشترین میانگین رتبه را داشته است؛ و بنابراین بیشترین اهمیت را در کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران در حوزه فرهنگی - اجتماعی دارد.

۳. مهم‌ترین اهداف میانی حوزه اقتصادی در نظام جمهوری اسلامی

به منظور پاسخ به سؤال فوق از آزمون فریدمن و رتبه بندی اهداف میانی حوزه اقتصادی تحقیق استفاده می‌کنیم. در این آزمون ابتدا تفاوت در شاخص‌ها به طور هم‌زمان بررسی شده است؛ و در صورت وجود تفاوت، شاخص‌ها رتبه بندی شده و به ترتیب اهمیت معرفی می‌شوند.

نتایج آزمون فریدمن (تعداد = ۷۸)

P	آماره فریدمن	میانگین رتبه فریدمن	اهداف میانی حوزه اقتصادی
۰/۰۰۰	۵۶/۴۰۲	۳/۳۴	تامین خودکفایی در علوم و فنون، صنعت، کشاورزی و امور نظامی
		۲/۴۹	ممنوعیت اسراف، تبذیر در تولید و توزیع، اضرار به غیر، انحصار، احتکار و ربا و دیگر معاملات حرام
		۲/۱۱	مشارکت فعال مردم در سرنوشت اقتصادی
		۲/۰۶	رشد و توسعه اقتصادی بر پایه عدالت اجتماعی جهت ایجاد رفاه، رفع فقر و برطرف کردن هر نوع محرومیت

نتایج جدول فوق بیان می دارد که: سطح معنی داری آزمون فریدمن از خطای ۵٪ کمتر است و لذا تفاوت معنی داری بین اثر اهداف میانی در حوزه اقتصادی وجود دارد. میانگین رتبه‌ها برای حوزه‌های پژوهش نشان می دهد که هدف میانی (تامین خودکفایی در علوم و فنون، صنعت، کشاورزی و امور نظامی)، بیشترین میانگین رتبه را داشته است، و بنابراین بیشترین اهمیت را در کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران در حوزه اقتصادی دارد.

۴. مهم ترین اهداف میانی حوزه سیاسی در نظام جمهوری اسلامی

برای پاسخ به سؤال فوق از آزمون فریدمن و رتبه بندی اهداف میانی حوزه سیاسی تحقیق استفاده می کنیم. در این آزمون ابتدا تفاوت در شاخص‌ها به طور هم زمان بررسی شده است؛ و در صورت وجود تفاوت، رتبه بندی شده و شاخص‌ها به ترتیب اهمیت معرفی می شوند.

نتایج آزمون فریدمن (تعداد = ۷۸)

P	آماره فریدمن	میانگین رتبه فریدمن	اهداف میانی حوزه سیاسی
۰/۰۰۲	۱۴/۹۹۱	۲/۷۴	تامین امنیت و حقوق انسانی و سیاسی مردم
		۲/۶۸	مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی
		۲/۵۱	تامین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون
		۲/۰۶	ایجاد وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام



نتایج جدول فوق بیان می دارد که: سطح معنی داری آزمون فریدمن از خطای ۵٪ کمتر است و در نتیجه، تفاوت معنی داری بین اثر اهداف میانی در حوزه سیاسی وجود دارد. میانگین رتبه‌ها برای حوزه های پژوهش نشان می‌دهد که هدف میانی (تامین امنیت و حقوق انسانی و سیاسی مردم)، بیشترین میانگین رتبه را داشته است؛ و بنابراین بیشترین اهمیت را در کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران در حوزه سیاسی دارد.

۵. مهم ترین شاخص های کارآمدی نظام جمهوری اسلامی

برای تعیین مهم ترین اهداف میانی حوزه فرهنگی - اجتماعی، سیاسی و اقتصادی موثر در کارآمدی نظام جمهوری اسلامی از آزمون فریدمن استفاده شده است. در این آزمون ابتدا تفاوت در شاخص‌ها به طور هم زمان بررسی شد، و در صورت وجود تفاوت، شاخص‌ها رتبه بندی شده و به ترتیب اهمیت معرفی می شوند. نتایج جدول زیر نشان می‌دهد که سطح معنی داری آزمون فریدمن از خطای ۵٪ کمتر است و در نتیجه تفاوت معنی داری بین اثر اهداف میانی در سه حوزه فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی و سیاسی وجود دارد. میانگین رتبه‌ها برای حوزه های پژوهش بیانگر این است که هدف میانی (تامین امنیت و حقوق انسانی و سیاسی مردم)، بیشترین میانگین رتبه را داشته است، و بنابراین بیشترین اهمیت را در کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران دارد.

P	آماره فریدمن	میانگین رتبه فریدمن	اهداف میانی سه حوزه فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی و سیاسی
۰/۰۰۰	۲۱۲/۸۶۷	۹/۷۴	تامین امنیت و حقوق انسانی و سیاسی مردم
		۹/۳۸	مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی
		۹/۲۸	بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها
		۸/۵۲	تامین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون
		۷/۶۱	تامین خودکفایی در علوم و فنون، صنعت، کشاورزی و امور نظامی
		۶/۹۹	ایجاد وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام
		۶/۹۸	توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون بین همه مردم
		۶/۴۹	ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان، تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی
		۵/۹	رفع تبعیض ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه (مسلمان و غیرمسلمان، با هر قوم و قبیله) در تمام زمینه‌های مادی و معنوی
		۵/۸۷	آسان کردن تشکیل خانواده، حفظ قدرت و استواری روابط خانواده

	۵/۴	ممنوعیت اسراف، تذبذب در تولید و توزیع، اضرار به غیر، انحصار، احتکار و ربا و دیگر معاملات حرام
	۴/۴۳	رشد و توسعه اقتصادی بر پایه عدالت اجتماعی جهت ایجاد رفاه، رفع فقر و برطرف کردن هر نوع محرومیت
	۴/۴۱	مشارکت فعال مردم در سرنوشت اقتصادی

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر که با دغدغهٔ سنجش کارآمدی نظام جمهوری اسلامی آغاز شد؛ هدف اصلی‌اش ارزیابی نخبگان از کارآمدی نظام جمهوری اسلامی بود. در راستای هدف مذکور با طراحی پرسشنامه و جمع‌آوری اطلاعات به قضاوت در خصوص این کارآمدی نشست. بر مبنای آمار استخراج شده تلاش می‌شود راهبردهای جدید برای ارتقای کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ارائه گردد:

۱. از سه حوزهٔ راهبردی فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، اولین حوزه ناکارآمدی از دیدگاه نخبگان، ناکارآمدی در حوزه اقتصادی است. به عبارت دیگر پاشنه آشیل کارآمدی نظام جمهوری اسلامی، حوزه اقتصادی بوده است و از منظر نخبگان، کمترین اهداف تحقق یافته در این بخش می‌باشد.

در تحلیل این دیدگاه می‌توان گفت که: استراتژی توسعه به معنای انتخاب و تدوین اصول کلی حرکت برای ایجاد تحولات در ساختارها، نهادها و اجرای طرح‌های بزرگ اقتصادی و اجتماعی برای منظر تسریع در پیشرفت و سازندگی کشور، مشخص نیست. ضمن آنکه عوامل ذیل، جزء عوامل تشدید کنندهٔ ناکارآمدی نظام جمهوری اسلامی در حوزه راهبردی اقتصادی از دیدگاه نخبگانی است:

۱. نبود فرصت‌های اطلاعاتی - اقتصادی یکسان برای مردم

۲. عدم ثبات و شفافیت قوانین اقتصادی

۳. نبود سیاست‌های منسجم دستگاه‌های مسئول در حوزه اقتصاد

۴. عدم گسترش فرهنگ کار و تولید

۵. عدم مبارزه جدی با مفسد اقتصادی

۶. عدم مهار تورم

۷. عدم رعایت فرهنگ صحیح مصرف فردی و اجتماعی

۸. عدم عنایت به ارتقای بهره‌وری در تولید و توزیع

۹. عدم مبارزه جدی با قاچاق کالا و ارز
۱۰. عدم حمایت از سرمایه گذاران ایرانی
۱۱. و...

۲. دومین حوزه راهبردی که منشأ ناکارآمدی نظام جمهوری اسلامی از منظر نخبگانی بود حوزه فرهنگی و اجتماعی است. در این بخش می‌توان به آسیب‌های ذیل اشاره کرد:

۱. نامشخص بودن مسیر اعمال دیدگاه‌ها و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، با فرض مسئولیت مدیریت کلان تحولات فرهنگی جامعه.

۲. وجود تشکیلات موازی، ناهماهنگ و تضییع کننده منابع فرهنگی

۳. تخریب آثار تلاش‌های نهادهای مختلف از سوی یکدیگر

۴. انجام کارهای شکلی و ظاهری به جای فعالیت‌های عمیق و ماندگار

۵. عقب ماندگی نظریه پردازی در حوزه دین برای حل معضلات فکری، فرهنگی و

اجتماعی

۶. گره خوردن حرکت در حوزه‌های فرهنگی با معضلات ناشی از سیاست بازی‌های

رایج جامعه

۷. عدم هم افزایی دستگاه‌های فرهنگی

۸. نبود نظام‌های آماری و اطلاعاتی درست

۹. عقب ماندگی نرم افزاری و تکنولوژیکی در حوزه فرهنگ نسبت به سایر حوزه‌ها

(بنیانیان، ۱۳۸۲)

۳. نتایج نظرسنجی نخبگانی حاکی از این است که حوزه راهبردی سیاسی، وضعیت بهتری از دو حوزه گذشته دارد و نمره بهتری را در جمع اهداف تحقق یافته جمهوری اسلامی می‌گیرد. از منظر نخبگانی این حوزه کارآمدتر از دو حوزه راهبردی گذشته است. البته علت آن مشارکت بالای مردم در بیش از ۳۰ انتخابات در ۳۵ سال گذشته، تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی ایشان در حدود قانون، و تأمین امنیت و حقوق انسانی و سیاسی مردم از سوی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران است.

۴. با توجه به اینکه در سند چشم انداز ۲۰ ساله، جمهوری اسلامی ایران کشوری: توسعه یافته، با جایگاه اول اقتصادی و علمی و فناوری در سطح منطقه، دارای هویت



اسلامی و انقلابی و الهام بخش در جهان اسلام، معرفی شده است؛ مدیران ارشد موظف‌اند، با تعیین حوزه‌های راهبردی که نقش محوری در ارتقای جایگاه کشور بازی می‌کنند (که در تحقیق ما سه حوزه فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بودند) و اتخاذ راهبردهای مناسب و راهکارهای متعدد، به بازشناسی الزامات کارآمدی نظام جمهوری اسلامی بپردازند.

۵. همان‌طور که قبلاً در خصوص ضرورت و اهمیت کارآمدی به عنوان «مشروعیت ثانویه» ذکر شد؛ به نظر می‌رسد یکی از عواملی که موجب کارآمدی هر سیستمی (از جمله نظام مقدس جمهوری اسلامی) می‌شود، ثبات در دو حوزه برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی کشور می‌باشد. برای تأمین این ثبات، هیچ راهی بهتر از وابسته بودن امر برنامه‌ریزی کلان کشور و نظارت راهبردی آن به رهبری نظام نیست. چرا که:

۱. برنامه‌ها از ثبات، تغییرناپذیری و فهم مشترک برخوردار می‌گردند.
۲. امضاء و تنفیذ رهبری پشتوانه آن است.

۳. بسیاری از دستگاه‌های عریض و طویل برنامه‌ریزی و نظارت، قابل ادغام‌اند.

۴. هیچ‌یک از مسئولین نمی‌توانند محتوای این برنامه‌ها را فاقد ارزش بدانند، چون با تایید رهبری ابلاغ شده است. در این صورت است که ولایت و زعامت فقیه و اقتدار سیاسی او، معنای جدیدی پیدا می‌کند؛ چرا که او تدبیر شوون جامعه را برعهده دارد. تمام قوا در چارچوب برنامه‌ریزی کلان رهبری عمل می‌نمایند و مورد نظارت نهادی رهبری واقع می‌شوند. البته این مهم میسر نیست مگر با تأسیس سازمانی تحت ولایت و رهبری نظام، که دارای دو بخش عمده خواهد بود:

۵- ۱. برنامه‌ریزی راهبردی

برنامه‌ریزی سطوح مختلفی دارد که مهم‌ترین لایه آن، برنامه‌ریزی راهبردی (استراتژیک) است. برنامه‌ریزی راهبردی دربردارنده تصمیم‌گیری‌هایی راجع به اهداف راهبردی بلند مدت سازمان است. در این نوع برنامه‌ریزی، مأموریت‌ها و هدف‌های سازمان مشخص می‌شود و این اهداف بلند مدت به هدف‌های کمی و کوتاه مدت تقسیم می‌گردد، تا هم قابل اندازه‌گیری باشد و هم قابل نظارت و کنترل. یکی از ویژگی‌هایی برنامه‌ریزی استراتژیک، جامعیت است. این نوع برنامه‌ریزی مقطعی و موقت نیست و در آن حرکت همسو و هماهنگ تمام قسمت‌ها، مهم و الزامی است.

۳۱ پیشنهاد آن است که با توجه به جایگاه رهبری نظام اسلامی در قانون اساسی و

مدیریت عالی نظام اسلامی، ساختار برنامه‌ریزی راهبردی وابسته به رهبری و پاسخگو به رهبری باشد. سطح ورود این سازمان در برنامه‌ریزی، در سطح سند چشم‌انداز و برنامه‌های پنج‌ساله خواهد بود. در سند چشم‌انداز چارچوب تحول سیاسی، فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی طراحی می‌شود؛ و برای رسیدن به آن افق‌ها، برنامه‌های پنج‌ساله به‌عنوان گام‌های بسترساز تحقق اهداف چشم‌انداز تهیه و تدوین می‌گردند. طبیعی است قوای سه‌گانه براساس این اسناد و در چارچوب برنامه‌های سالانه خود موظف‌اند، نسبت به رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده اقدام نمایند.

۵-۲. نظارت راهبردی

این سازمان دارای دو سطح نظارتی خواهد بود:

الف - نظارت و کنترل برنامه‌ای

ب - نظارت و کنترل راهبردی



الف - نظارت و کنترل برنامه‌ای

در این نوع نظارت، برنامه‌ها و فرآیندهای جاری هر سازمانی بر مبنای الگوی از پیش تعیین شده، مورد بررسی و کنترل تطبیقی قرار می‌گیرند. داده‌های خام جمع‌آوری شده، پس از تطبیق با کمیت و کیفیت‌های مبنای، میزان سلامت یا انحراف فرایند با برنامه تعیین می‌شود. تمامی قوانین و آیین‌نامه‌های اجرایی، شکل‌های از پیش تعیین شده رفتار هستند. در این سطح از کنترل، بررسی تطبیقی عملکردها با الگوهای قانونمند رفتار، کفایت خواهد کرد. این نظارت، ابتدایی‌ترین سطح کنترل محسوب می‌شود. در صورت تشخیص بروز انحراف، حرکت به سمت استاندارد می‌تواند به اصلاح امور منتهی شود.

ب - نظارت و کنترل راهبردی

موضوع این نظارت دو چیز خواهد بود:

۱. کنترل و پایش مداوم قوای سه‌گانه و تمام دستگاه‌های کشور از لحاظ انطباق رفتاری آن‌ها با اهداف، مأموریت‌ها، سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی ابلاغی. در این بخش با استفاده از تکنیک‌های کنترل استراتژیک باید فهمید که آیا حرکت سازمان‌ها به سوی تأمین و تحقق اهداف چشم‌انداز، مطابق معیارهای ترسیم شده هست یا خیر؟ آیا قوای سه‌گانه و دستگاه‌های مرتبط و غیر مرتبط با رهبری در راستای اهداف کلان ترسیم شده و مأموریت‌های محوله، حرکت می‌کنند یا خیر؟ میزان انحراف چقدر است؟

اینجاست که مقام رهبری پیوسته در حال رصد و پایش حرکت کل سیستم جمهوری اسلامی هستند و می‌توانند مدیران ارشد نظام را مورد هدایت و رهبری عالمانه قرار دهند. ضمن اینکه هیچ دستگاهی نمی‌تواند با گزارشات و آمار خود، رهبری نظام را به خطا بیاندازد؛ زیرا مرکز رصد و پایش نهاد رهبری، به طور مستقیم فعالیت‌های آن‌ها را رصد می‌کند و میزان خطا، انحراف و عقب ماندگی را بدون سیاسی کاری گزارش می‌دهد.

۲. کار دومی که در نظارت راهبردی انجام خواهد گرفت، آینده پژوهی است. واقعیت آن است که تمام رفتارهای قانونی و غیر قانونی اشخاص حقیقی و حقوقی جامعه، می‌تواند آینده خوب یا بدی را برای کشور رقم زند. برای نمونه: آگاهی بر علاقه مردم به داشتن چند فرزند (بحثی که جدیداً مقام رهبری در آن ورود کرده‌اند) تمایل آن‌ها به پس انداز، ملک، سهام، دلار و طلا، ارزیابی تحقق عدالت اجتماعی، تحلیل وضعیت پیوستگی‌های اجتماعی مردم، نرخ ازدواج و طلاق، همگرایی یا واگرایی‌های جامعه، امنیت ملی کشور و همه این‌ها، این سازمان جدید را به سوی آینده پژوهی سوق می‌دهد. لذا آینده پژوهی نتیجه رصد روندها، ارزیابی، نظارت و کنترل استراتژیک است و شامل مراحل زیر خواهد بود:

- الف) رصد روندها و فرآیندها
 - ب) جمع‌آوری و تحلیل داده‌های آماری هدفمند
 - ج) ترسیم جزئیات وقوع وضعیت‌های محتمل و ترسیم تأثیرات آن بر مدیریت کشور
 - د) تعیین درصد احتمال وقوع هر یک از وضعیت‌های محتمل
 - ه) مدل سازی رفتارهای کلان در عرصه‌های مختلف اداره امور کشور در شرایط محتمل
- نتیجه این فرآیند، برنامه‌ریزی برای آینده است، و موجب می‌شود نهاد عالی نظارت وضعیت‌هایی که در آینده احتمال روبرویی با آن هست، را شبیه سازی کند؛ و با این مدل سازی، جزئیات حرکت تمامی اجزاء رسمی و غیر رسمی کشور برای رسیدن به وضعیت-های مطلوب و پرهیز از نزدیک شدن به شرایط نامطلوب را مشخص سازد.

منابع

- آقا بخشی، علی (۱۳۷۹) *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران، چاپار.
- بنیانیان، حسن (۱۳۸۲) طرحی در آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی، *نشریه هنر و معماری*، شماره ۷.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸) *ولایت فقیه، ولایت فقاہت و عدالت*، قم: مرکز نشر اسراء.
- حجاریان، سعید (۱۳۷۳) نگاهی به مسأله مشروعیت، *مجله راهبرد*.
- رابینز، استیفن (۱۳۸۶) *تئوری سازمان (ساختار و طرح سازمانی)*، ترجمه مهدی الوانی و حسن دانایی فرد، تهران: انتشارات صفار.
- روحانی، حسن (۱۳۷۹) درآمدی بر مشروعیت و کارآمدی، *مجله راهبرد*، شماره ۱۸، تهران.
- گلریز، حسن (۱۳۸۶) *فرهنگ توصیفی لغات و اصطلاحات علوم اقتصادی*، مرکز آموزش بانکداری.
- معینی، صغرا (۱۳۷۰) *فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات مدیریت و سازمان*، وزارت کشاورزی، تهران.
- هدی، فرل (۱۳۸۱) *اداره امور تطبیقی*، ترجمه سید مهدی الوانی و غلامرضا معمارزاده، تهران: اندیشه‌های گوهریار.
- هیوز، آون (۱۳۸۰) *مدیریت دولتی نوین*، ترجمه سید مهدی الوانی و همکاران، تهران: نشر مروارید.

